

زندگینامه‌ی عباس رادنیا

(۱۲۹۳-۱۳۶۱)



شادروان عباس رادنیا، از اعضای موسس و فعال نهضت آزادی ایران در سال ۱۲۹۳ در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج محمدحسن رادنیا و مادرش خانم صفرا اکبری هر دو از خانواده‌های مذهبی سنتی بودند. پدر مرحوم رادنیا از معتمدین تهران و محل مراجعه دایم مردم و از ارکان مدیریت مسجد محل در بازارچه تکیه زرگرها بود.

مرحوم رادنیا تحصیلات ابتدایی را در مدرسه توفیق، در خیابان بازارچه، تکیه زرگرها تمام کرد و به دبیرستان علمیه، در کوچه پشت مسجد سپهسالار آن زمان رفت و دیپلم خود را از همان مدرسه گرفت. وی بلافاصله وارد بازار کار شد و به فعالیت‌های دامداری و کشاورزی پرداخت. در سال ۱۳۱۸ با خانواده معنوی وصلت کرد که حاصل آن یک پسر و سه دختر می‌باشد.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ و باز شدن نسبی جو سیاسی کشور و آزادی فعالیت‌های سیاسی، و تاسیس احزاب ملی و جبهه ملی مرحوم رادنیا به مبارزه ملی پیوست و با آغاز جنبش ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق، با تمام قوا به حمایت از آن پرداخت.

وی برای اداره فعالیت‌های دامداری و کشاورزی خود که در کرج بود. دفتری در تهران تاسیس نمود که این دفتر به مرکز مبارزات سیاسی - ملی تبدیل شد و از آن زمان، یعنی از حدود سال ۱۳۲۲ تا هنگام انقلاب در ۱۳۵۷ و پس از آن، هرگز لحظه‌ای از مبارزه برای بهبود وضع ملت و پیشرفت و استقلال مملکت آسوده نبود.

در دوران جنبش ملی شدن صنعت نفت، مرحوم رادنیا، از عناصر اصلی بسیج بازار و طبقات دیگر به حمایت از مبارزه ملی و رهبری آن، دکتر مصدق بود.

بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که دولت‌های آمریکا و انگلیس به کمک ارتش شاهنشاهی و با سکوت و رضایت شوروی، حکومت ملی و مردمی دکتر مصدق را ساقط کردند و محمدرضا شاه را، که از ترس ملت به رم فرار کرده بود به مملکت و به تخت سلطنت برگرداندند، مبارزات ملی و مردمی شکل تازه‌ای به خود گرفت. نهضت مقاومت ملی تشکیل شد و شبکه‌های مقاومت در تهران و شهرستان‌ها به وجود آمدند.

مرحوم عباس رادنیا، از اولین موسسین نهضت مقاومت ملی محسوب می‌گردد. همکاری و فعالیت مرحوم رادنیا در نهضت مقاومت ملی و برای مدت ۸ سال از ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ بدون وقفه و با کمال فداکاری و بدون هر گونه تظاهری ادامه داشت.

مرحوم رادنیا در تاسیس و شکل گرفتن جبهه ملی دوم، در سال ۱۳۳۹ نقش موثری داشت. اما به هنگام تاسیس نهضت آزادی ایران بدون کمترین تردیدی، به جمع موسسین نهضت پیوست. در اولین مراسم بزرگداشت شهدای قیام سی تیر (۱۳۳۱)، مرحوم رادنیا، به همراه جمع دیگری از رهبران و فعالین، نهضت آزادی، که برای حضور بر سر مزار شهدای سی تیر به ابن‌بابویه رفته بودند دستگیر و به زندان قصر منتقل گردید. رادنیا دوران زندان را با روحیه‌ای مقاوم و سرشار از ایمان و مقاومت گذرانید و سپس برای مدت کوتاهی از زندان آزاد شد. اما بعد از آن که در بهمن ماه ۱۳۴۰ رهبران و فعالین نهضت آزادی را برای بار دوم دستگیر کردند و به محاکم نظامی کشانیدند، رادنیا نیز به همراه جمعی دیگر از اعضای نهضت آزادی دستگیر کردند و پس از به اصطلاح محاکمه به چهار سال زندان محکوم ساختند.

رادنیا دوران محکومیت در زندان را همچنان با قدرت ایمان گذراند و با اراده‌ای قوی‌تر و روحیه‌ای مقاوم‌تر، بعد از پایان محکومیت خود آزاد شد، بدون آن که در روحیه مقاوم و مبارزه‌جوی او کمترین تخفیف یا تزلزلی ایجاد شده باشد.



بیستم بهمن ۱۳۵۷ - تسخیر پادگان‌ها و زخمی شدن رادنیا همراه دیگر انقلابی‌ها

آزادی رادنیای از زندان مصادف شد با بروز جنبش‌های انقلابی مسلحانه و آشکار شدن فعالیت مسلحانه سازمان اولیه مجاهدین خلق. او در این دوره قسمت عمده‌ای از تلاش‌های خود را مصروف به رسیدگی و کمک به خانواده‌های زندانیان می‌نمود.

با اوج‌گیری مبارزات مردم، فعالیت مرحوم رادنیای نیز تشدید شد. به طوری که در سازمان‌دهی مبارزات و گردهمایی‌ها و راهپیمایی‌های روزهای انقلاب فعالانه حضور موثر داشت. بعد از پیروزی انقلاب، رادنیای، هم‌چنان، بی‌توقع و بدون کمترین چشم‌داشتی استعداد و امکانات خود را در اختیار انقلاب و دولت موقت قرار داد.

پس از بروز درگیری‌های سال ۱۳۶۰، مرحوم رادنیای، بازداشت شد و مدت‌ها در زندان به سر برد. بعد از خلاصی از زندان، خیلی زود یارانش را ترک کرد و آنها را تنها گذاشت. در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۶۱، هنگامی که در دفترش مشغول کار بود، قلبش از تپش باز ایستاد و دعوت حق را لبیک گفت و یارانش را به داغی بزرگ مبتلا ساخت. نهضت آزادی یار صادقی را از دست داد. یادش گرامی باد و خاطرش شاد.

مرحوم رادنیای، از همان اولین روزی که در ۲۹ تیر ماه ۱۳۴۰ به مناسبت حضور در ابن‌بابویه و مزار شهدای سی تیر دستگیر شد، تا روزی که بعد از بیش از چهار سال آزاد شد، خاطرات و مشاهدات خود را در زندان یادداشت می‌کرده است. این یادداشت‌ها علاوه بر این که ترسیم وضعیت زندانیان عصر اسب‌تداد سلطنتی است، گزارش یک شاهد عینی از مبارزات و مقاومت‌های مردم ماست. یادداشت‌ها و جریان محکمه رادنیای با آقایان بسته‌نگار و مفیدی در مجموعه‌ای تحت عنوان «مقاومت در زندان» منتشر شده است. (انتشارات قلم، ۱۳۷۸)



از راست: عباس رادنیای، آیت‌الله طالقانی و محمد بسته‌نگار. مرداد ۱۳۵۰